



Theosophical-Philosophical Foundation of Iranian Art

Volume 3 / Issue 1 / pages 1-12 / e-ISSN: 2980-7875 / p-ISSN: 2981-2356

Original Research

10.30486/PIA.2024.2001377.8579



Semiotics of Head Motifs in the Historical Context of Tehran Based on Chandler Codes

Sara Sadat Miri¹, Firoozeh Sheibani Rezvani²

1-Master of Arts Student, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

2-Assistant Professor of Art Department, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

(Corresponding author)

Abstract

This research aims to identify visual characteristics in the motifs of three selected fronts of Foroozesh Street, Molavi Street, and Vakil Al-Tajjar Street in the historical context of Tehran, which has been less studied. The reason for choosing these three heads among similar cases was the capacity to analyze their motifs from the perspective of Daniel Chandler's codes. This research is qualitative and based on data obtained from library information and observation of case examples that describe and analyze motifs based on Daniel Chandler's semiotic opinions. The results of the analysis are as follows: From the point of view of social codes, it shows the integrated style of cultural exchange between the rulers of Qajar and the West. From the point of view of the textual ciphers, brickwork, and tilework motifs are explained in the visual text of Islamic elements, Khatai, birds, and written verses. In interpretative codes of visual elements, it explains the royal authority as well as the importance of living in the shadow of faith in the One Lord and the fruits of faith of a Muslim person. Perceptual codes are interpreted based on the similarity of the elements in the motifs of the three heads. Finally, from codes of perception, show the orientation of the leader's and the audience's thinking about the natural elements of the garden symbolically and abstractly.

Keywords: Chandler Codes, Pattern Analysis, Qajar Head Motifes, Semiotics, Tehran's Historical Context.



بنیان‌های حکمی فلسفی هنر ایرانی

سال سوم / شماره اول / بهار ۱۴۰۳ / ص ۱۲-۱ / p-ISSN: 2981-2356 / e-ISSN: 2980-7875



10.30486/PIA.2024.2001377.8579

پژوهشی

نشانه‌شناسی نقوش سردرها در بافت تاریخی تهران، براساس رمزگان چندلر

ساراسادات میری^۱، فیروزه‌شیبانی رضوانی^۲

۱- دانش‌آموخته ارشد هنر، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

۲- استادیار گروه هنر، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

باتوجه به آنکه نقوش به‌کاررفته در سردرهای دوران قاجار، دارای مضامینی است که ارزش‌های بصری فراوان دارد؛ هدف این پژوهش، شناخت ویژگی‌های تجسمی در نقوش سه سردر منتخب خیابان فروزش، خیابان مولوی و سردر وکیل‌التجار در بافت تاریخی تهران که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌است. علت انتخاب این سه سردر از میان موارد مشابه، ظرفیت تحلیل نقوش آن‌ها از منظر نشانه‌شناسی به‌طور عام و از منظر رمزگان دنیل چندلر، یعنی رمزگان‌های اجتماعی، متنی، تفسیری، ادراکی و واقع‌گرایی به‌طور خاص بوده‌است. این پژوهش به صورت کیفی و مبتنی بر داده‌های برآمده از اطلاعات کتابخانه‌ای و مشاهده نمونه‌های موردی است که به توصیف و تحلیل نقوش باتکیه بر آرای نشانه‌شناسی دنیل چندلر می‌پردازد. با توجه و تدقیق در نقوش سردرهای مورد مطالعه و براساس تفسیر رمزگان چندلر در متن تصویری و نوشتاری، نتایج زیر حاصل می‌شود: از منظر رمزگان اجتماعی، وجود سبک تلفیقی بازتاب‌دهنده تبادل فرهنگی میان حاکمان قاجار و غرب بوده‌است. از منظر رمزگان متنی، سردرهای مورد مطالعه شامل نقوش آجرکاری، کاشی‌کاری در متن تجسمی عناصر اسلیمی، ختایی، پرندگان و گاهی آیات نوشتاری، تبیین می‌شود. در خوانش ارجح از رمزگان تفسیری این عناصر، جلوه‌ای از اقتدار شاهانه و همچنین اهمیت زندگی در سایه ایمان به پروردگار یکتا و ثمرات ایمان فرد مسلمان را توضیح می‌دهد. رمزگان ادراکی، براساس مشابهت عناصر موجود در نقوش سه سردر تفسیر می‌شود. درنهایت از منظر رمزگان واقع‌گرایی به‌صورت نمادین بینش هنرمند و مخاطب از عناصر طبیعی باغ و بوستان و مرغزار را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی تهران، تحلیل نقوش، رمزگان چندلر، سردرهای قاجار، نشانه‌شناسی.

۱- مقدمه و بیان مسئله

در کاخ‌ها، مساجد و ابنیه دوران قاجار نقوش، طرح‌ها و تزییناتی وجود دارد که ظرفیت تفسیر و تحلیل از منظر فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌کنند. باورهای مذهبی و سنتی در آن دوران، تحت‌تاثیر هنر و فرهنگ غربی، جلوه‌ای تازه می‌یابد که در خور ارزیابی و تفسیر است (گودرزی، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰). سردر منازل، یکی از اجزای اصلی ورودی بنا به‌شمار می‌رود. سردرها، تقریباً تنها بخشی از نمای خارجی بنا بودند که علاوه بر کارکرد تزئینی، رابطی بین برون‌ودرون خانه محسوب می‌شدند. سردر، بازگوکننده اعتقادات و باورها و سنت‌های مردم بود که به اشکال مختلفی طراحی می‌شد تا علاوه بر زیباسازی فضای شهری، نیازهای روحی و روانی ساکنان و رهگذران را نیز برآورده کند. ارتباط روزافزون ایران و غرب، معماران ایرانی را بر آن داشت تا عوامل مشخص معماری ایران را با روشن‌بینی و توجه خاصی با عوامل معماری غرب درآمیزند و آثاری به وجود آورند که از نظر هنری دلپسند باشد (مقیم‌پوربیژنی، ۱۳۸۷: ۷۳).

در این پژوهش تاکید بر تفسیر تزیینات یا بخش تجسمی سردرهای به‌جامانده از بناهای دوران قاجار است. از آن‌جا که نقوش در سردرها همچون یک اثر از هنرهای تجسمی عمل می‌کنند، می‌توان آن‌ها را با استفاده از روش نشانه‌شناسی^۱ تحلیل کرد. نشانه‌شناسی علم مطالعه نظام‌های نشانه‌ای (زبان، رمزگان، تصویر و...) فرآیندهای تأویلی و ابزار پژوهشی، جهت درک معنای لایه‌های ناشناخته در پشت علائم، رموز، نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی است. از میان نظریه پردازان نشانه‌شناس، نظریات دانیل چندلر^۲ که در سال ۱۹۹۴م مطرح گردید، امکان گسترده‌تری برای تحلیل و تفسیر مورد پژوهشی این مقاله را فراهم می‌کند؛ به عبارت دیگر از آنجا که عناصر تجسمی درون نقوش سردرها به‌عنوان نشانه دارای منشی چندمعنایی هستند، به عبارتی می‌توان آن‌ها را در معرض تفسیرهای مختلف قرار داد، شاید کارآمدترین روش برای رسیدن به این تفاسیر، بهره‌گیری از رمزگان^۳ چندلر باشد. در این پژوهش سه سردر منتخب از بناهای دوران قاجار که اطلاعات دقیقی از آن‌ها به‌دست آمده و ظرفیت تحلیل را از منظر رمزگان داشته‌اند؛ یعنی سردر خیابان شاپور-فروزش، سردر خیابان مولوی-کوچه مسعود و سردر عمارت وکیل‌التجار میدان محمدیه انتخاب شده‌است. این پژوهش می‌کوشد تا به این مساله پاسخ دهد که چگونه می‌توان با توجه به رمزگان چندلر، نقوش سردرها را تفسیر کرد؛ یا نقوش سردرهای منتخب با استفاده از روش چندلر چه ویژگی‌های کمتر مطرح شده‌ای را بازگو می‌کنند؟

۲- روش پژوهش

این پژوهش به‌صورت کیفی، براساس اطلاعات برآمده از مطالعات کتابخانه‌ای، با تحلیل نقوش سه سردر منتخب از بناهای اواخر دوران قاجار با تاکید بر نشانه‌شناسی دانیل چندلر است. اطلاعات و داده‌های مرتبط با سه سردر خیابان شاپور-فروزش، سردر خیابان مولوی، کوچه مسعود و سردر عمارت وکیل‌التجار میدان محمدیه براساس مشاهده (عکاسی)، همچنین مراجعه به سازمان میراث فرهنگی به‌جهت اطمینان از تاریخ ثبت بناها در زمره میراث فرهنگی بوده‌است. این سه سردر از میان ۱۵ مورد بنای قاجاری در تهران، بر اساس ظرفیت نقوش آن‌ها برای تحلیل رمزگان چندلر انتخاب شده‌است. پنج رمزگان مطرح شده از منظر چندلر شامل رمزگان اجتماعی، متنی، تفسیری، ادراکی و واقع‌گرایی است که امکان تحلیل و تفسیر دلالت‌های فرهنگی و تاریخی نقوش سردرهای منتخب را فراهم می‌کند.

۳- ادبیات پژوهش (مبانی نظری و پیشینه پژوهش)

۳-۱- پیشینه

از میان مقالات منتشر شده در ارتباط با تحلیل نقوش سردرها در ایران هیچ موردی از منظر نشانه‌شناسی و مولفه‌های رمزگان دانیل چندلر یافت نشد. در این میان سه مقاله که نزدیکترین محتوا را به پژوهش حاضر دارند، معرفی می‌شود:

پنجه‌باشی و دولاب (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه ویژگی و ساختار نقوش سردر بناهای کاشی‌کاری شده در شیراز دور قاجار» فصلنامه علمی پژوهشی نگره، به مضامین نقوش سردر بناهای شیراز پرداخته‌اند. در این مقاله بر پیام و مضمون نقوش تأکید دارد؛ اما برخلاف مقاله حاضر بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی و تفسیر رمزگان چندلر نبوده است. شاطری، ایقان و دبدبه (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد احیای بافتهای تاریخی و ارزشمند شهری در حفظ هویت معماری بناها» مجله مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، سال دوم، شماره ۴، به اهمیت بافت تاریخی پرداخته، مطالعه موردی خود را به خانه‌های دوران قاجار اختصاص داده‌اند: در این مقاله، تأثیر هنر غرب بر هنر قاجار مطرح شده که در تحلیل نقوش سردرها نیز حائز اهمیت است. پنجه‌باشی (۱۴۰۲) مقاله دیگری با عنوان «مطالعه مؤلفه‌های ساختاری و معنایی کاشی نگاره‌های سردر بارگاه حضرت سلیمان (ع) در شیراز دوره قاجار» مجله مطالعات ایرانی به ویژگی‌های ساختار و عناصر بصری این سردر پرداخته و ارتباط آن را از یک‌سوبا مضامین مذهبی و از سوی دیگر با تأثیرپذیری از هنر غرب تبیین می‌کند. برخلاف مقاله حاضر این تفسیر و تبیین نیز بر اساس واکاوی مولفه‌های رمزگان از منظر چندلر نیست.

۲-۳. مبانی نظری

• نشانه‌شناسی دانیل چندلر

نشانه‌شناسی از آن‌رو مهم است که انسان در میان موجودات، میل به معنا سازی داشته و معنا را از طریق تولید و تفسیر «نشانه‌ها» به وجود می‌آورد؛ در واقع هر چیزی که به‌عنوان «دلال‌گر»، ارجاع‌دهنده یا اشاره‌گر به چیزی غیر از خودش تلقی شود، می‌تواند نشانه باشد. استفاده معنادار از نشانه‌هاست که در کانون اهمیت نشانه‌شناسی قرار دارد (چندلر، ۱۳۸۷: ۴۱). نشانه‌شناسی در معنای تازه‌اش از دیرینگی چندانی برخوردار نیست؛ اما، واقعیت این است که نشانه‌شناسی، یک علم مدرن است که هم به‌عنوان نظریه تئوری و هم به‌عنوان روش و متدی خاص از آن استفاده می‌شود و آغازگر این علم، فردینان دوسوسور^۴ بنیان‌گذار زبان‌شناسی و فیلسوف امریکایی است. سوسور یک الگوی «دوتایی» یا «دو بخشی» برای نشان دادن نشانه، پیشنهاد می‌کند. او با تمرکز بر نشانه‌های زبانی (مثل کلمات) نشانه را مرکب از یک «دال» و یک «مدلول» می‌داند. او دال و مدلول را تصویری «ذهنی» و غیرمادی می‌داند. سوسور معتقد است: «نشانه زبانی، پیوند میان یک شیء و یک نام نیست؛ بلکه یک مفهوم «مدلول» را به یک تصور صوتی «دال» پیوند می‌دهد. تصور صوتی واقعاً یک صدای فیزیکی نیست؛ بلکه اثر روانی صوت در شنونده است که به واسطه حواس دریافت شده است.»

سوسور بر اختیاری بودن نشانه و به‌ویژه اختیاری بودن رابطه‌ی میان دال و مدلول تأکید داشت. تمرکز سوسور بر نشانه زبانی بود و زبان را مهمترین نظام نشانه‌ای می‌داند؛ برای او ماهیت اختیاری نشانه اولین اصل زبان است (سوسور، ۱۳۹۸: ۶۶ و ۶۷). از نظر سوسور، مسئله اصلی نشانه‌شناسی «اختیاری بودن نشانه» است.

از نظر دانیل چندلر «نشانه‌ها معمولاً به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، بوها، طعم‌ها، حرکات و اشیاء ظاهر شده؛ اما این چیزها ذاتاً معنی‌دار نیستند و فقط زمانی که معنایی به آنها منصوب کنیم تبدیل به نشانه می‌شوند.» (چندلر، ۱۳۸۷: ۴۱) مفهوم رمز در نشانه‌شناسی نقشی اساسی و بنیادین ایفا می‌کند و معنای کلی نشانه در رمزگان بودن آن قرار می‌گیرد؛ بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. یک رمز مجموعه‌ای از فرایندهاست که در چارچوب رمزگان، نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌سازد؛ در واقع نمی‌توان چیزی را که در قلمرو رمزگان نیست، نشانه نامید. به‌علاوه اگر رابطه میان دال و مدلول را اختیاری فرض کنیم، آنگاه روشن است که تفسیر معانی نشانه‌ها مستلزم آشنایی قراردادهاست. با تبدیل نشانه‌ها به نظام‌های معنادار از طریق رمزگان، رابطه میان دال و مدلول ایجاد می‌شود (چندلر، ۱۳۷۸: ۲۲۱).

چندلر در ادامه توضیح می‌دهد که رمزگان موجب پیوند و رابطه میان متن‌ها شده، به‌همین دلیل، زمینه تفسیر را فراهم می‌کند. رمزگان صرفاً با «قراردادهای ارتباطی» برابر نیستند؛ بلکه عبارت از نظام‌هایی رویه‌ای از قراردادهای مناسبی هستند که در قلمروهای

خاص خود عمل می‌کنند. چندلر انواع رمزگان را به پنج دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: رمزگان اجتماعی، رمزگان متنی، رمزگان تفسیری، رمزگان ادراکی، رمزگان واقع‌گرایی که شرح آن به‌طور خلاصه در ذیل می‌آید:

• رمزگان اجتماعی

رمزگان اجتماعی شامل زبان گفتاری، رمزگان بدنی، رمزگان مربوط به کالا، رمزگان رفتاری است. در واقع تمایزهای اجتماعی در یک فرهنگ توسط رمزگان اجتماعی تعیین می‌شوند. ما هویت اجتماعی خود را به‌واسطه کارهایی چون شیوه سخن گفتن، لباس پوشیدن، مدل مو، عادت غذا خوردن، محیط بومی، مالکیت، شیوه‌های استفاده از اوقات فراغت، آداب سفرکردن و غیره منتقل می‌کنیم. زبان همواره به‌عنوان نشانی کلیدی از هویت اجتماعی ما عمل می‌کند. ژان‌پل سیمون این نوع رمزگان را سویه اندیشگون تصویر می‌داند و آن را رمزگان انسان‌شناسیک می‌نامد (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

• رمزگان متنی

رمزگان متنی شامل رمزگان علمی، رمزگان زیباشناختی در محدوده هنرهای مختلف- در دوره‌ها و جریان‌های گوناگون- رسانه‌های ارتباط جمعی، چون عکاسی، تلویزیون، فیلم، رادیوی و مطبوعات می‌شود؛ که هم فنی و هم قراردادی هستند. هر متن، نظامی از نشانه‌های سازمان یافته برطبق رمزگان و زیررمزگانی است که بازتابی از ارزش‌ها، گرایش‌ها، باورها، فرض‌ها و کنش‌های معین می‌باشند (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۳۵). انتخاب رسانه به‌وضوح بر انتخاب رمزگان مؤثر است. از آنجاکه این رمزگان با ابزار بیان هر رسانه‌ای ارتباط مستقیم دارد، موضوعی است که در فرایند تحلیل آثار تجسمی، به متنی نوشتاری یا تصویری یا علایم بصری تبدیل می‌شود و از سوی مخاطب نیز در چارچوب رمزگان فنی یا تخصصی نقوش دریافت می‌شود (یزدانی، ۱۳۹۶: ۳۴).

• رمزگان تفسیری

رمزگان تفسیری، شامل رمزگان ادراکی (مانند درک بصری) و رمزگان ایدئولوژیک (مانند انواع ایسم‌ها) است (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۲۴). در ارتباط با اثر هنری، یا به‌عبارت‌دیگر هر طرحی که مخاطب خود را مورد خطاب قرار می‌دهد، رمزگان تفسیری، مطرح است. مخاطب در اینجا نه به‌عنوان یک فرد، بلکه به‌عنوان «سوژه» مورد خطاب قرار گرفته و همچون مجموعه‌ای از نقش‌هایی تلقی می‌شود که توسط فرهنگ و ایدئولوژی ساخته شده‌اند. به‌طور خلاصه در چهارچوب فرهنگ و ایدئولوژی فهم معنای اثر هنری به‌مثابه متن میسر می‌شود. در رمزگان تفسیری سه نوع خوانش برای اثر ممکن است؛ خوانش غالب یا مسلط که مخاطب در راستای معنای مورد نظر هنرمند قرار دارد، خوانش تبدالی که مخاطب خوانش ترجیحی مطابق نظر و برداشت خود را می‌پذیرد و خوانش متضاد که مخاطب با توجه به موقعیت اجتماعی در تقابل با خوانش مسلط قرار می‌گیرد (یزدانی، ۱۳۹۶: ۳۶).

• رمزگان ادراکی

رمزگان ادراکی شامل ادراک بصری و دریافت ما از جهان پیرامون مان است. بعضی نظریه‌پردازان معتقدند که حتی ادراک ما از جهان روزمره شامل رمزگان است: «همه نظام‌های ادراکی، قبلاً زبانی مستقل بوده‌اند» (فاستر گیچ، ۱۴۰۰: ۵۲) ما به‌ندرت از عادات مان در دیدن جهان، آگاه می‌شویم و تلقی ادراک بصری جهان به‌عنوان رمز، نیازمند کوشش عامدانه است. این روش برای آن‌هایی که در طراحی و نقاشی تبحر دارند کاری آسان و برای مردم عادی، کمی مشکل است. فرآیندی روانی به‌نام «ثبات ادراکی» وجود دارد که به تغییراتی که در شکل‌ها و اشیاء رخ می‌دهند، نوعی پایداری نسبت می‌دهد. بدون فرآیندهایی مثل دسته‌بندی و ثبات ادراکی، جهان چیزی بیش از یک آشفتگی گیج‌کننده نیست. مطابق بانظریه روانشناسی گشتالت^۵ ثبات ادراکی توضیح می‌دهد که «تنوع جهان روزمره با ارجاع به رمزگانی که

از تنوع کمتری برخوردار است، ترجمه شده و بدین ترتیب محیط به متنی برای خواندن تبدیل می‌شود» (نیکولز، ۱۳۹۲: ۲۶).

• رمزگان واقع‌گرایی

رمزگان واقع‌گرایی به دلیل اینکه از عناصر مأنوس و آشنا ساخته می‌شوند، طبیعی و تکه‌هایی از زندگی به نظر می‌رسند (یزدانی، ۱۳۹۶: ۴۸). در رمزگان واقع‌گرایی، نشانه‌ها را نباید نمود بازنمایی دانست؛ بلکه گاهی آن‌ها در بردارنده واقعیت صرف هستند. به بیانی دیگر، همه بازنمایی‌ها، نظام نشانه‌ای هستند: آن‌ها بیشتر دلالت‌گرند تا «بازنمانده»، و بیشتر به رمزگان ارجاع می‌دهند تا به «واقعیت». برای پذیرش این موضوع نیازی به انکار وجود واقعیت خارجی نیست؛ اما به رسمیت شناختن رمزگان متنی واقع‌گرا و قراردادی لازم به نظر می‌رسد (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۳۸)؛ برای مثال هنر غربی از رنسانس تا قرن نوزدهم، تحت تسلط تقلید و بازنمایی قرار گرفت و این موضوع هنوز در فرهنگ عام شایع است. این هنر منکر شأن خود به‌عنوان یک نظام دلالتی بوده و به دنبال بازنمایی جهانی است که بیشتر و مستقل از فرآیند بازنمایی وجود داشته باشد.

۴- یافته‌های پژوهش (بحث و تحلیل)

در ادامه بر اساس توضیحات فوق در خصوص مفاهیم رمزگان از منظر چندلر و به منظور شناخت بیشتر ویژگی‌های مستتر در نقوش سردرهای سه بنای منتخب در بافت قدیم تهران پرداخته می‌شود:

۴-۱- نشانه‌شناسی نقوش سردرها، از منظر رمزگان چندلر

۴-۱-۱- سردر خیابان شاپور-فروزش



تصویر ۲ سمت چپ (برشی از سردر خیابان شاپور، قاجار: نگارندگان)



تصویر ۱ سمت راست (خیابان شاپور-فروزش، قاجار: نگارندگان)

تصویر ۱ زمان احداث این بنا به اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی برمی‌گردد که در خیابان وحدت اسلامی- خیابان فروزش، نبش خیابان شهید محمدی واقع شده است. این بنا با شماره ثبتی ۳۳۲۴۳ به‌عنوان یکی از آثار میراث فرهنگی به ثبت رسیده است. سردر آجری این بنا ویژگی متمایز آن در مقایسه با بناهای هم عصر خود است. سر در فروزش به شکل سر تاج است. در قسمت وسط بالای سردر، شکل کله خورشیدی شبیه به صدف به رنگ آبی قرار دارد و کاشی‌کاری به شکل گل، در مرکز سردر است. دو ستون در دو طرف سردر با تزئینات آجرتراشی شبیه به گوشواره کار شده است. در زیر ستون دو طراحی نیم‌ترنج آمده است. زمینه سردر با کاشی فیروزه‌ای تک‌رنگ مزین شده است. بخش دیگری از تزئینات این سردر، استفاده از کاشی‌کاری منقوش با طرح گل و گلدان و متاثر از سبک تزئینات اروپایی است. شکل تاج، نقش خورشید یا صدف در مرکز، نقوش اسلیمی و ختایی، گلدان و گل‌های آن از جمله

نشانه‌هایی هستند که از نقطه نظر رمزگان چندلر در اینجا تحلیل و تفسیر می‌شوند.

سردر خیابان فروزش در محله‌ای از تهران واقع شده که در گذشته به محله مهدی موش معروف بوده و این موقعیت یکی از محله‌های معروف تجار و بازاریان بوده است. از منظر رمزگان اجتماعی وجود سردر به شکل تاج در بالای سردر نمادی از قدرت، حاکمیت و فرمانروایی است که بنا در آن تاریخ و موقعیت ساخته و کامل شده است، اشاره دارد. در مرکز کتیبه سردر، شکل منقوش خورشید واقع شده، که در امتداد نقش تاج به معنای واقعیت مطلق، تمامیت، منشأ همه هستی و به معنای ظهور خدا در آفرینش و تصویری از بهشت است. این دو عنصر ویژه در تحلیل و ارزیابی رمزگان اجتماعی اقتدار پادشاه وقت و تبعیت هنرمندان آن دوران را توضیح می‌دهد.

رسانه‌ای که رمزگان متن سردر فروزش را توضیح می‌دهد، ترکیبی از نقوش آجرکاری و نقوش کاشی‌کاری است که عناصری چون تاج و خورشید و گل لوتوس، اسلیمی‌ها و ختایی‌ها را در خود جای داده است. این عناصر و نشانه‌های موجود در نقوش سردر به صورت نمادین امکان تفسیر وضعیت اجتماعی و فرهنگی دوران خود را فراهم می‌کنند.

عناصر و نشانه‌های موجود در خوانش غالب یا مسلط رمزگان تفسیری، در سردر فروزش را می‌توان بدین صورت توضیح داد: شکل تاج بالای سردر نماد قدرت، حاکمیت و فرمانروایی است. خورشید یا صدف در مرکز، قرار دارد. خورشید در مرکز به معنای واقعیت مطلق، تمامیت، منشأ همه هستی و به معنای ظهور خدا در آفرینش و تصویری از بهشت است. صدف، نماد آب و ماه، وحدت، دلالت بر بیان رابطه، قدرت، تعادل و انرژی است. نقوش ختایی و اسلیمی به عنوان نماد حاصلخیزی، معرفت، حفاظت و آفرینش‌اند. گل زنبق، نماد قدرت، شکوه، سلطنت و سیاست است. لوتوس به شکل تاریخی، نماد زیبایی، تندرستی، باروری، ثروت، فراوانی، قدرت حاصلخیزی زمین و حضور خداوند است. ریشه‌های آن مظهر ماندگاری و ساقه آن نماد بندناف انسان است که باعث می‌شود انسان با اصل خویش پیوند بخورد. این گل جایگاهی مذهبی دارد و به معنای نجابت، رشد معنوی، کمال، چرخه تولد و رشد انسان است. شکل ترنج، شکلی انتزاعی از مرکز باغ است. وارنر در دانشنامه اساطیر جهان توضیح می‌دهد که نقاش مسلمانانی که نقوش تزئینی، مخصوصاً ترنج را طراحی می‌کند، از این عناصر انتزاعی و رمزی بهره می‌جوید که همان میل به معنویت است (وارنر، ۱۴۰۰: ۴۵). سردر فروزش از منظر رمزگان ادراکی و با ارجاع به روانشناسی گشتالت که ذهن انسان را کل نگر و همراه با تمایلات سازمان یافته می‌داند، در اینجا به ساده‌ترین روش راه‌حلی برای تفسیر این سردر پیشنهاد دارد، می‌تواند این باشد که چنین سردرهایی حضور اعیان و اشخاص ثروتمند در درخواست و سفارش ساخت این بناها با تزئینات آن است.

از منظر رمزگان واقع‌گرایی در سردر فروزش همه عناصر و نشانه‌ها شکلی نمادین از باغ و بوستان‌های ایرانی دارد. اگرچه با نزدیک شدن به تاریخ معاصر، سرسبزی آن باغ‌ها رو به کاستی نهاده؛ ولی هنرمند سعی دارد تا به مدد نقش و رنگ جلوه‌هایی از آن طبیعت باشکوه را ثبت نماید.

۴-۱-۲. سردر خیابان مولوی-کوچه مسعود



تصویر ۴ سمت چپ (برشی از کتیبه خیابان مولوی، قاجار: نگارندگان)



تصویر ۳ سمت راست (سردر خیابان مولوی-کوچه مسعود، قاجار: نگارندگان)

سردر خیابان مولوی (تصویر ۳) بخشی از خانه باغی است که متعلق به یکی از خاندان قاجار بوده و تنها بخش باقیمانده از آن در حال حاضر همین سردر است. عناصر و نشانه‌های سردر خیابان مولوی را می‌توان در دو بخش خلاصه کرد: در بخش بالای سردر، نقش تاج در فضای خالی و در رأس و وسط سردر قرار دارد که متأثر از سبک اروپایی است. در زیر نقش تاج، چند برگ به شکل کنگر و به صورت قطاری درکنار هم قرار گرفته‌اند. در دو طرف سردر، دو بادگیر شبیه بادگیرهای شهرهای کویری وجود دارد که بر روی آن دو کاشی با نقش نگهبان کار شده‌است. نقش کتیبه در نمونه‌هایی دیگر از بناهای دوره قاجار، همچون کاخ گلستان موجود است. در دوره قاجار هنر کاشی‌سازی متجدد شد و نقوشی همچون نقش نگهبان، به اندازه‌های طبیعی بر روی آجرهای کاشی سردر بعضی ادارات دولتی و مدارس بر روی آجرهای چهارگوش نقش بست. نقش طاووس و اژدها، همراه با عناصر اسلیمی و ختایی موجود در این سردر از منظر رمزگان تفسیرپذیر است.

از منظر رمزگان اجتماعی در مواجهه نخست با نقش تاج که در رأس سردر و حضور دو نگهبان در دو طرف اشاره دارد، بدون شک حضور افراد خاص و بااهمیت آن دوران را توضیح می‌دهد. با گواهی تاریخ در دوران قاجار، موقعیت محلی این بنا همراه با حضور تجار و بازرگانان مورد توجه پادشاهان بوده‌است. از این رو هنرمندان با توجه به موقعیت اجتماعی، این عناصر را در سردر آورده‌اند تا مبین موقعیت و فرهنگ حکومتی دوران باشد.

نقوش سردر خیابان مسعود روایتی را بازنمایی می‌کند که رسانه این روایت در رمزگان متنی است که به واسطه تزیینات سردر آجرکاری و نقوش کاشی‌کاری کار شده‌است. توضیح این روایت از منظر رمزگان تفسیری و با توجه به نقوش نمادین سردر بدین صورت قابل توضیح است:

تاج بالای سردر نماد قدرت، حاکمیت و فرمانروایی است. طاووس را مدخل بهشت نامیده‌اند. در بیشتر سردر خانه‌ها، مساجد، و بازارها این نقش آمده و اعتقاد بر این بوده که از داخل شدن ابلیس به اماکن جلوگیری می‌کند. طاووس به عنوان پرنده‌ای مقدس، نماد شکوه، سلطنت و تخت سلطنتی است (شیخی نارانی، ۱۳۸۹: ۲۹). نقش دو طاووس در کنار برگ و درخت، به نشان نگهبانی از درخت است و نماد برکت و روزی است. اژدها در فرهنگ شرق دور روشنایی، نگهبان، نماد قدرت و شوکت است (کریستی، ۱۴۰۱: ۲۴). نگهبان بر روی سردرها از ورود دیوان و ارواح جلوگیری می‌کند. عصا در دست مردان یا صاحب منصبان، نماد رهبری و ریاست آنهاست و در جایی نماد فرزاندگی و آزمودگی است. نخل یا خوشه خرما نماد تقدس و پاکی، باروری و پیروزی، حیات و جاودانگی، ایستادگی، مقاومت و برکت است. زمانی که ترنج در بنای خانه‌ها قرار بگیرد، به معنای ظهور خدا در آفرینش و تصویری از بهشت است. بیشتر این نقوش نماد باغ و بهشت هستند. دو پنجه سنگی یا دست به عنوان محافظت‌کننده است در برخی موارد هم چشمی ساختگی در مرکز کف دست قرار می‌دادند تا از چشم و نظر دور شوند.

در یک برخورد کل‌نگر و از منظر رمزگان ادراکی و ویژگی‌های بارز و مشترکی که شکل و زمینه سردر مولوی، همچون سردرهای دیگر این دوره برخوردار است، قدرت و حاکمیت ساکنین بنا را تبیین می‌کند. از منظر رمزگان واقع‌گرای، مانند سردرهای مشابه و مورد پژوهش قبل، هنرمند متأثر از باغهای موجود در اقلیم شهری بوده، هرچند به مرور زمان جلوه این باغ و بوستان‌ها به شکلی نمادین درآمده‌است.

۳-۱-۴. سرای میزانی - سرای وکیل‌التجار



تصویر ۵ سمت راست (سردر عمارت وکیل‌التجار - میدان محمدیه، قاجار: نگارندگان)

تصویر ۶ سمت چپ (برشی از سردر عمارت وکیل‌التجار، قاجار: نگارندگان)

سردر عمارت وکیل‌التجار (تصویر ۵) از نظر ساخت و احداث همچون دو بنای مورد پژوهی قبل به اواخر دوره قاجار برمی‌گردد که در خیابان مولوی، ضلع شمال‌غربی میدان محمدی ساخته شد. این ملک به نوعی یک کاروانسرا برای تجار و بازرگان بوده و از سراسر ایران برای دادوستد به این مکان می‌آمدند. این عمارت با شماره ۳۹۷۱ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. سردر این عمارت از جنس آجر با هنر کاشی‌کاری تزئین شده است. با توجه به تاثیراتی که از تزئینات اروپایی در شکل ساخت و تزئینات بنا به کار رفته، سبکی تلفیقی محسوب می‌شود. در دو طرف این کتیبه نقوش گیاهی هفت‌رنگ بر روی زمینه سفید زیبایی خاصی به این سردر بخشیده است. دو کتیبه «نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحُ الْقَرِيبِ» در دو طرف بالایی، در قابی قرار گرفته که به نقوش اسلیمی طرح ترنج و لچک متصل شده است که بر روی کاشی آبی روشن به وسیله تکنیک آجرکاری تزئین شده است. سردر عمارت متشکل از تلفیقی از معماری سنتی و مدرن است. در چوبی عمارت، یادآور خانه‌های سنتی دوره قاجار است. در مرکز سردر آیات و احادیث، دو فرشته زن، و نرده‌های ایوان به سبک رومی وجود دارد. در مرکز نقوش اسلیمی، گل زنبق قرار دارد که شبیه به تاج شاهی است. نقوش گیاهی در سنت نقوش نگارگری و کاربرد آن در معماری و سایر هنرهای سنتی در دوران اسلامی سرچشمه برکت بوده و از جایگاه و تقدس ویژه‌ای برخوردار است.

در سردر وکیل‌التجار استفاده از آیه ۱۳ سوره الصف «نصر من الله و فتح قریب» که بشارتی است بر مومنان و پیروزی ایشان در مقابل کفار، از مهمترین گفتمان‌های مذهبی و اجتماعی مردم و بازاریان در اواخر دوره قاجار است. کاربرد این آیه در کتیبه ابنیه مقدس همچون حرم امام حسین (ع) تبیین‌کننده باور و اعتقادات اجتماعی اهل تشیع بوده و ویژگی بارز رمزگان اجتماعی و فرهنگی این بنا را توضیح می‌دهد. نقوش گیاهی نیز همچون قابی در بالای سردر خودنمایی می‌کند. استفاد از نقوش گیاهی بر روی سردر بنا به فرهنگ و باور مردم نشانی از تصویر بهشت دارد.

رمزگان متن سردر وکیل‌التجار شامل متنی نوشتاری که مزین به آیات قرآنی شده تا نقوش گیاهی است که از طریق رسانه تصویر قابل فهم می‌شود. کتیبه‌ها، تاریخ ساخت بنا و نام عمارت هم از دیگر عناصری هستند که در این سردر قابل مشاهده و ظرفیت تفسیر دارند. در خوانش مسلط یا ارجح تمامی عناصر این سردر با استفاده از کتیبه مزین به آیه قرآن و نقوش گیاهی و اسلیمی، و فرشتگان در بالای آن، می‌تواند تصویر ذهنی هنرمند را از بشارت پیروزی و توفیق مسلمانان در جهان آخرت، حضور در باغ بهشت را چه در جهان مادی و چه در جهان معنوی به مخاطب القاء کند. طرح لچک و ترنج در نقوش سنتی ایران انتزاعی از باغ و حوض‌های درون باغ است. لچکی‌ها در گوشه طرح انتزاعی و ترنج‌ها به شکل دایره‌ای در مرکز نقوش ظاهر شده که با انواع نقوش اسلیمی کامل می‌شوند. از منظر مخاطب ایرانی این نقوش بسیار کاربردی به‌ویژه رایج در نقش‌قالی سنتی است که بر باغ بهشت دلالت دارد.

در خوانش کل نگر یا نظریه گشتالت اصولی مانند «مشابهت، مجاورت، تداوم، بستار، شکل و زمینه» در نحوه ادراک بصری انسان‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد (یزدانی، ۱۳۹۶: ۴۰). بدین معنی هنگامی که عناصر موجود در یک اثر بصری کنار هم قرار می‌گیرند، از نظر امکان مشابهت، یا تحت‌تأثیر مجاورت و دیگر وضعیت‌شکلی، مفاهیمی یگانه را به ذهن مخاطب متبادر می‌سازند؛ برای مثال در سر و کیل التجار (تصویر ۵) مجاورت آیه قرآن سوره‌الصف در کنار نقوش اسلیمی یک درک کلی را مطرح می‌کنند که همان درک جامع بشارت بهشت برای مومنین است

کاشی‌نگاران این دوره تلاش داشته‌اند تا اعتقادات مذهبی و فرهنگی خود را در قالب نقوش بازنمایی کنند. عناصر موجود در نقوش سردر و کیل التجار برداشتی نمادین از باغ‌های ایرانی و جایگاه اخروی مومنین است. از این رو می‌توان گفت رمزگان واقع‌گرایی به شکلی انتزاعی و باورمند توسط هنرمند بوده است.

بدین ترتیب شرح تجزیه و تحلیل نقوش سه سردر منتخب از منظر رمزگان دنیل چندلر را می‌توان به شرح جدول خلاصه کرد:

جدول ۱. خلاصه تحلیل یافته‌ها (نگارندگان)

سردر	رمزگان اجتماعی	رمزگان متنی	رمزگان تفسیری	رمزگان ادراکی	رمزگان واقع‌گرایی
 فروزش	- اقتدار پادشاهی - تأثیر فرهنگ اروپایی در کاشی کاری	- رسانه تجسمی در سردر و کتیبه - آجرکاری و کاشی کاری	- خوانش ارجح (نیت هنرمند)	- توجه به جهان معنوی - اقتدار حاکمیت - براساس مشابهت نشانه‌ها	- بازنمایی عناصر نمادین - انتزاعی
 مولوی	- اقتدار پادشاهی - پاس‌داشت از حاکمیت - تأثیر فرهنگ اروپایی	- رسانه تجسمی در سردر و کتیبه نقوش اسلیمی و ختایی - نقوش نگهبان - آجرکاری و کاشی کاری	- خوانش ارجح (نیت هنرمند)	- توجه به جهان معنو - اقتدار حاکمیت - بر اساس مشابهت و هم‌جواری نشانه‌ها	- بازنمایی عناصر نمادین - انتزاعی
 وکیل‌التجار	- ایمان، جهاد، ثمرات اخروی - اقتدار پادشاهی - تأثیر فرهنگ اروپایی	- رسانه تجسمی در سردر و کتیبه - متن آیات قرآن - آجرکاری و کاشی کاری	- خوانش ارجح (نیت هنرمند) - خوانش تبادلی میان هنرمند و اعتقاد مخاطب	- ایمان به خدای یگانه - اقتدار حاکمیت - مشابهت و هم‌جواری نشانه‌ها	- بازنمایی عناصر نمادین - انتزاعی

۵- نتیجه‌گیری

شناخت محتوای هنری ابنیه و آثار به‌جا مانده در تهران و به‌طور کلی در همه شهرها و روستاهای ایران، ضرورت فرهنگی است؛ چراکه این شناخت و توسعه آن نزد هنرپژوهان و دست‌اندرکاران، لزوم حفظ و احیای این آثار در پی دارد. این پژوهش، تلاشی است تا از منظر نشانه‌شناسی دنیل چندلر با توجه و تدقیق در نقوش سه سردر عناصر و نشانه‌های موجود در آن را مطالعه و واکاوی نماید. علت انتخاب سه سردر منتخب از میان سردرهای موجود از اواخر دوران قاجار در تهران، یعنی سردر خیابان فروزش - شاپور، سردر خیابان مولوی - کوچه و سردر میزانی - وکیل‌التجار، ظرفیت تجسمی نقوش آن‌ها به منظور دلالت‌یابی و با تأکید بر پنج رمزگان اجتماعی، رمزگان متنی، رمزگان تفسیری، رمزگان ادراکی و تا حدودی رمزگان واقع‌گرایانه است.

در هر سه مورد مطالعه، یعنی سردر خیابان فروزش، سردر خیابان مولوی و سردر وکیل‌التجار نوع ارتباط حاکمیت و مردم و باورهای

ایشان را توضیح می‌دهد. علاوه بر آن در معماری سردرها که به دو بخش آجرکاری و کاشی‌کاری مزین شده‌اند، سبکی تلفیقی به‌کار رفته است. نقوش کاشی‌کاری عمدتاً متأثر از سبک غربی در تزیینات معماری هستند، که به لحاظ تاریخی متأثر از تعامل شاهان قاجار با فرنگ و تاثیر ایشان از غرب است. از منظر رمزگان اجتماعی وجود این سبک تلفیقی بازتاب‌دهنده شیوه ارتباطی و برخی رفتارهای حاکم در جامعه است.

پیام تجسم‌یافته از منظر رمزگان متنی در نقوش سه سردر مورد مطالعه، شامل نقوش آجرکاری، کاشی‌کاری در متنی تجسمی تبیین می‌شود. ابزار بیان شامل نوشتار (در سردر وکیل‌التجار) و نقوش نمادین از اسلیمی‌ها و ختایی‌ها است. عناصر و نشانه‌های موجود در سه سردر، نقش تاج در راس سردر و نقوش گل و گلدان و اسلیمی‌ها و ختایی‌ها اشتراک دارند. در خوانش ارجح از رمزگان تفسیری این عناصر جلوه‌ای از اقتدار شاهانه را به نمایش می‌گذارند؛ در عین حال و در خوانش تعاملی میان هنرمند و مخاطب با توجه به عناصر نقوش که در اغلب هنرهای سنتی چون نگارگری، فرش و انواع صنایع دستی، می‌توان دریافت که هنرمند دوران اسلامی، همواره با برخورداری از بینش و تفکر اسلامی نسبت به فرهنگ تصویری در این دوران وفادار بوده است. درک کلی از محتوای نقوش سه سردر مورد مطالعه با توجه به ویژگی‌های بارز و معین مشترک عناصر در این نقوش اتفاق می‌افتد. با توجه به مشابهت نقوش اسلیمی و ختایی در فرهنگ بصری سنتی و مجاورت آیات قرآنی در بستر و شکل و زمینه، می‌توان گفت که رمزگان تفسیری آثار وابسته به خصایص فراگیر این نقوش در هنر دوران اسلامی، یعنی توجه اهمیت زندگی در سایه ایمان به پروردگار یکتا، توجه به شکوه نظام شاهی و ثمرات ایمان فرد مسلمان در آخرت خواهد بود.

رمزگان واقع‌گرایی در نقوش سه سردر مورد مطالعه بیشتر امر ذهنی و انتزاعی هستند و نقوش متأثر از عناصر طبیعی باغ و بوستان و مرغزار جلوه‌ای نمادین یافته‌اند. همان‌طور که چندلر معتقد است همه نشانه‌ها، در بازنمایی‌های واقعیت از شأنی یکسان برخوردار نیستند و در تعیین واقعیت، کارکردهایی ایدئولوژیک می‌یابند (چندلر، ۱۳۸۶: ۴۰).

با مطالعه نقوش سردرهای منتخب از ابنیه دوران قاجار در تهران از منظر رمزگان دانیل چندلر، می‌توان دریافت که دلالت نشانه‌ها آن چیزی نیست که در مواجهه اول به دست می‌آید و این درک و دریافت نیاز به مطالعه و تعمق بیشتر دارد که روش رمزگان چندلر این مسیر را هموار می‌سازد. آنچه از مطالعه و شناسایی مفاهیم این آثار حاصل می‌شود، ارزش فرهنگی این آثار را گوشزد و لزوم حفظ و احیای آن توسط دست‌اندرکاران را امری دوچندان می‌کند. در آخر و به منظور گسترش مطالعه نشانه‌شناسی از منظر رمزگان چندلر، بررسی و تحلیل سایر سردرها از بافت تاریخی تهران و سایر شهرهای ایران به پژوهشگران بعدی پیشنهاد می‌شود.

۶- پی‌نوشت

- 1- Semiotics
- 2- Daniel Chandler
- 3- Codes
- 4- Ferdinand de Saussure
- 5- Gestalt

۷- منابع و مآخذ

احمدی، بابک (۱۳۸۳). از نشانه تصویری تا متن، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
 بلیان اصل، لیدا. حسن پورلمر، سعید (۱۳۹۸). «الگوهای هندسی و تناسبات طلایی، زبان مشترک معماری و هنر در روستای تاریخی ایبانه»، فصلنامه علمی معماری اقلیمی گرم‌و‌خشک، دوره ۷، شماره ۹.

<https://smb.yazd.ac.ir/article> آخرین دسترسی (۱۴۰۲/۱۲/۷)

پنجه‌باشی، الهه، دولاب فاطمه. (۱۳۹۷). مطالعه ویژگی و ساختار نقوش سردر بناهای کاشی‌کاری‌شده در شیراز. فصلنامه نگره (۴۸)، ۱۲۵-۱۰۴

doi: 10.22070/negareh.2019.886

- پنجه باشی، الهه. (۱۴۰۲). «مطالعه مؤلفه‌های ساختاری و معنایی سر در و دو ستون کاشی نگاری شده بارگاه حضرت سلیمان اثر استاد ابراهیم در شیراز دوره قاجار». مجله مطالعات ایرانی، ۱۴۹-۲۱۱. doi: 10.22103/jis/jis.2024.21568.2492
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). مبانی نشانه‌شناسی، مترجم: مهدی پارسا، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی، مترجم: مهدی پارسا، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- سوسور، فردینان دو (۱۳۹۸). زبان‌شناسی عمومی، مترجم: کوروش صفوی، تهران: انتشارات هرمس.
- شیخی‌نارانی، هانیه (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی پرنده، طاووس»، نقش مایه، بهار و تابستان، سال سوم، شماره ۵، ۲۷-۴۲. www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1494793 آخرین دسترسی (۱۴۰۳/۱/۱۵)
- شاطری وایقان، امید. دبدبه، محمد (۱۳۹۸). «رویکرد احیای بافتهای تاریخی و ارزشمند شهری در حفظ هویت معماری بناها»، مجله مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، سال دوم - شماره ۴، ص ۵۷ تا ۶۴. www.noormags.ir/view/fa/articlepage آخرین دسترسی (۱۴۰۲/۱۲/۷)
- فاسترگیچ، مارک (۱۴۰۰). نظریه‌های زیبایی‌شناسی، ترجمه: احسان حنیف، چاپ نخست، تهران: کتاب فکر نو.
- کریستی، آنتونی (۱۴۰۱). اساطیر چین، ترجمه: باجلان فرخی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اساطیر.
- گودرزی، مرتضی (۱۳۸۸). آینه خیال: بررسی و تحلیل تزیینات معماری دوران قاجار، چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر.
- نیکولز، بیل (۱۳۹۲). ساختارگرایی، نشانه‌شناسی سینما، مترجم: علاءالدین طباطبایی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات هرمس.
- وارنر، رکس (۱۴۰۰)، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اساطیر.
- یزدانی، علیرضا (۱۳۹۶). درآمدی بر نشانه‌شناسی گرافیک معاصر ایران، چاپ نخست، تهران: نشر نظر